

قیام ۱۵ خرداد

مدرسه علمیه خاتم الاوصیاء عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱۳۹۹/۳/۱۳

واحد پژوهش



عظمت و بزرگی قیام ۱۵ خرداد بر کسی پوشیده نیست. این بزرگی با نام حضرت امام (ره) اوج میگیرد و بررسی این واقعه بدون نام ایشان نا ممکن است.

در آغاز سال ۱۳۴۲، تهاجم برنامه ریزی شده عوامل رژیم به مدرسه فیضیه نقشی اساسی در وقایع بعدی این سال - به ویژه قیام ۱۵ خرداد - و رویدادهای پس از آن داشت، اما تهاجم به فیضیه ماحصل روندی بود که از مدتی قبل شروع شده بود. (قیام ۱۵ خرداد به روایت ساواک، ج ۲، ص ۱۱)

سیاست ها و برنامه های ضد اسلامی نظام پهلوی

الف - مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی

همان طور که اشاره شد، رژیم پهلوی بعد از رحلت آیت الله بروجردی که تصور می کرد کسی نمی تواند جای خالی وی را پر کند، در صدد اجرای سیاست ها و برنامه های اصلاحی ضد دینی و مذهبی برآمد. در اولین گام در ۱۶ مهر سال ۱۳۴۱ به تصویب لایحه اصلاحی قانون انجمن های ایالتی و ولایتی اقدام نمود. به موجب این لایحه، واژه اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف شده و انتخاب شوندگان نیز به جای این که مراسم تحلیف را با قرآن به جای آورند، از این پس این کار را با کتاب آسمانی خود انجام می دادند.

امام خمینی که تصویب لایحه مذکور را مقدمه برنامه های ضد قانونی و ضد اسلامی رژیم شاه می دانست، بلافاصله علمای طراز اول قم را دعوت کرد تا درباره این لایحه به مشورت و تصمیم گیری بپردازند. امام در این جلسه، اهداف دولت را برملا کرد و نسبت به تصویب چنین لایحه ای اعلام خطر کرد. در پایان جلسه نیز تصمیمات زیر گرفته شد؛

۱. طی تلگرافی به شاه، مخالفت مراجع و علما را با لایحه اعلام داشته و لغو فوری آن، درخواست شود.
۲. علمای تهران و شهرستان ها را از طریق نامه و پیغام در جریان امر قرار داده و از ایشان برای آگاه کردن مردم و مقابله با دولت دعوت شود.

محمدرضا پهلوی و اسدالله علم نخست وزیر وقت با پاسخ های بسیار سطحی به تلگراف علما با بی اعتنایی از کنار این موضوع عبور کردند. اما امام خمینی ساکت ننشستند و با ارسال تلگراف مستقیم به نخست وزیر و با سخنرانی ها، صدور اعلامیه های متعدد و ارسال نامه ها و پیک های بسیاری برای شخصیت های سیاسی و روحانی شهرها، تحرکی گسترده انجام داد، که بسیج مردمی علیه دولت و رژیم پهلوی برپا شد. سرانجام، با تلاش ها و پیگیری های امام و مراجع قم و پشتیبانی مردم، لایحه مذکور در آذر ۱۳۴۱ لغو شد.

ب- انقلاب سفید

شاه در فروردین ماه سال ۱۳۴۱ خود به آمریکا سفر کرد و با تعهد به اینکه اصلاحات مورد نظر آمریکا را شخصاً انجام دهد نظر مسئولین آمریکایی را جلب کرد و بعد از بازگشت مقدمات کار را فراهم کرد و طرح "انقلاب سفید" را که بعداً به "انقلاب شاه و ملت" نامگذاری شد به اجرا گذاشت. این طرح شامل بندهایی بود از قبیل ملی کردن جنگلها، فروش سهام کارخانجات دولتی، ایجاد سپاه دانش و غیره که در صدر آن نیز موضوع الغای رژیم ارباب و رعیتی یا همان اصلاحات ارضی اعلام شد. طرح اصلاحات ارضی به صورتی که اجرا شد از یک سو اسباب کوچاندن روستا نشینان به شهرها برای اشتغال در صنایع مونتاژ و از سوی دیگر صدمه جبران ناپذیر به اقتصاد خودکفایی غذایی کشور از آب درآمد. در واقع هم توان تولید غذایی کشور را محدود ساخت و هم بازار لازم را برای کالاهای مواد غذایی و مصرفی خارجی فراهم کرد. امام خمینی در این باره می فرماید: "اصلاحات ارضی شاه جز برنامه ای برای از بین بردن کشاورزی ایران و تحمیل اقتصاد تک محصولی بر جامعه ما چیزی نبود. به طوری که امروز اکثر نیازهای غذایی ما از خارج وارد می شود. با برهم خوردن وضع کشاورزی دهقانان، دهات و زمینها را رها کرده و به شهرها هجوم آورده اند. سیاست غلط شاه هم در مورد صنایع مونتاژ، نه تنها مشکلی را حل نکرد و زندگی روستاییان مهاجر را، حتی در حد قابل تحمل تأمین ننمود، بلکه کشور را هر چه بیشتر وابسته به اجانب کرد که اثرات سوء اقتصادی آن غیر قابل محاسبه است." (صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۰۶)

البته سردمداران رژیم شاه از خود شاه گرفته تا امینی و علم و قدرتمندان دیگر، همه از زمین داران بزرگ بودند و اصلاحات ارضی هرگز شامل اراضی مرغوب و دارای آب و کشت مکانیزه متعلق به آنان نشد. امام خمینی در یکی از سخنرانیهای خود قبل از پیروزی انقلاب اسلامی گفت: "الآن مالیات قدرتمندها نمی دهند؛ تقسیم اراضی قدرتمندها نشده. [برای] قدرتمندها این حرفها نیست. «علم» تا پیروز هم همه املاکش سر جای خودش بود برای اینکه وزیر دربار بود و یک نخست وزیر بود. هیچ نیست این حرفها، حرف است این حرفها؛ «اصلاحات»! بازی بود این حرفها؛ «انقلاب سفید» همه اش بازی بود." (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۲۹)

صدور اعلامیه مبنی بر عزاداری در ایام عید نوروز ۱۳۴۲

پس از اعلام موفقیت رفراندوم و رای مثبت مردم به اصل انقلاب سفید که اینک "انقلاب شاه و مردم" خوانده می شد، روحانیت در آواخر اسفند، طی اعلامیه و سخنرانی ای -نوروز ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند. در واقع امام مصمم بود تا با استفاده از هر مکان مشروعی، بر ضد رژیم، ضمن افشای ماهیت و سیاستهای ضد مردمی آن، علما و مردم را جهت مبارزه بسیج کند، در صحنه نگه دارد و فرصت را برای سرکوب نهضت و تسلط بر اوضاع، از دست رژیم بگیرد.

امام طی نشستها و گفتگو ها یی با علما و مراجع قم و تماسهایی که با سایر علمای شهرستانها داشتند؛ همه را متقاعد کردند که با توجه به مصادف شدن ایام نوروز با سالگرد شهادت امام جعفر صادق (ع) و اقدامات ضد اسلامی رژیم، اعلام کنند که امسال عید نداریم و ایام نوروز عزای عمومی خواهد بود. حضرت امام همچنین طی اعلامیه ای با تیتراژ درشت "روحانیت امسال عید ندارد" جرایم و فجایع و اقدامات ضد اسلام را بر شمردند و در پی ایشان بقیه علما و مراجع نیز عید نوروز را عزای عمومی اعلام کردند. این اقدام، پس از تحریم رفتارندوم دیدار با شاه و پایداری در برابر قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی ضربه دیگری به رژیم بود (قیام ۱۵ خرداد به روایت ساواک، ج ۲، ص ۱۳)

ج- حمله به فیضیه و کشتار طلاب و عزاداران



تهاجم به فیضیه در روز های آغازین سال ۱۳۴۲ از سویی به عنوان یک عکس العمل و از سوی دیگر حاکی از آن بود که رژیم برای انجام برنامه های خود از هیچ اقدامی فروگذار نخواهد بود و حرکتی بود برای از میدان خارج کردن جناحهای میانه رو و حوزه و در انزوا قرار دادن حضرت امام و یارانش. عصر روز دو فروردین ماه مجلس سوگواری شهادت امام جعفر صادق (ع) که از طرف آیت الله گلپایگانی در مدرسه فیضیه برگزار شده بود مورد تهاجم قرار گرفت. همزمان در مدرسه طالبیه تبریز نیز که خود کانون عمده مبارزات اسلامی بود، اقداماتی مشابه صورت گرفت. اما بر خلاف پیش بینی رژیم و مشاورینش، فاجعه فیضیه تاثیر عمیقی بر توده مردم و حتی نیروهای میانه رو مخالف رژیم گذاشت، به طوری که یکی از عوامل زمینه ساز قیام عمومی ۱۵ خرداد شد.

احساس خطر شاه

امام در چهلمین روز فیضیه پیام مهمی که جامع مواضع قاطع و سازش ناپذیر سیاسی و انقلابی بود خطاب به ملت صادر کردند و شخص شاه را در تهاجم به فیضیه مقصر دانستند. با صدور و انتشار پیام امام و حرکت علما در نجف، شاه متوجه شد که برنامه ی اجرا شده در فیضیه نتوانسته اهداف ورد نظر را تامین کند و لازم است عملیات در مقیاس وسیعتر و با شدت بیشتری به اجرا در آید. برای او امکان بازگشت و لغو برنامه های اعلتام شده وجود

نداشت، زیرا ایت عمل مساوی با تعطیل بر نامه های آمریکا بود و مشخص بود که رهبران آمریکا از برنامه ریزی دراز مدت خود برای ایران چشم پوشی نخواهند کرد و مسلماً کسی که توانست بع ان برنامه ها عمل کند می توانست در راس هرم قدرت قرار بگیرد . لذا تصمیم به تشدید خشونت و ایجاد رعب و وحشت در دستور کار دولت قرار گرفت.

تهدید توسط شاه

شاه در سخنرانی ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۲ تهدید کرد که اگر این گونه کارها (مقاومت در برابر کارهای رژیم) متوقف نشود، دست به کشتار وسیعی خواهد زد و کلیه علمایی که به نحوی در راه اندازی این آشوبها سهیم باشند، دستگیر خواهند شد . او گفت "اگر متأسفانه لازم باشد که بگویم که انقلاب بزرگی، یا خون یک عده بی گناه یعنی ماموران دولت، و یک عده بد بخت گمراه، متأسفانه آغشته شود، این کاری است که چاره ای نیست و خواهد شد"

سرانجام ۱۷ روز پس از سخنرانی و با دستگیری امام (ره)، دریای خونی که او وعده داده بود در تهران، قم، مشهد و بسیاری از شهرهای کشور جاری شد و پانزدهم خرداد به عنوان روزی ماندنی در تاریخ مبارزات و مجاهدات ملت ایران ثبت گردید . (قیام ۱۵ خرداد به روایت ساواک، ج ۲، ص ۱۳)



قیام خونین ۱۵ خرداد

صبح روز چهارشنبه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ خبری همچون برق و باد شهر قم را درنوردید و با سرعتی باور نکردنی به تهران و بسیاری از شهرهای دیگر کشور رسید: آیت الله خمینی را دستگیر کردند.

ظرف چند ساعت صدها هزار نفر از مردم در شهرهای مختلف خصوصاً قم و تهران بدون هیچ هماهنگی و سازماندهی قبلی - و علیرغم محدودیتهای آن دوران و سانسور شدید وسایل ارتباط جمعی - با خشم و خروش و عزاداری به خیابانها ریختند و عظیم ترین جنبش خود جوش مردمی را در ایران رقم زدند. این تظاهرات که در ایام سوگواری حضرت سیدالشهداء علیه السلام (سیزدهم محرم الحرام) واقع گردید با عکس العمل شدید نیروهای انتظامی و نظامی شاه روبرو شد. ارتش و پلیس با تمامی امکانات و تجهیزات از قبیل تانکها و

مسللهای سنگین و زره پوش و حتی هلی کوپترها و شکستن دیوار صوتی با هواپیماهای نظامی به مقابله با مردم پرداخت. مهمترین نقاط درگیری و کشتار مردم در تهران، قم، شیراز و ورامین صورت گرفت. نام ورامین و پیشوا که شهرهای کوچکی در اطراف تهران بودند بر تارک نهضت ۱۵ خرداد می درخشد. صبح روز واقعه، بسیاری اهالی ورامین خصوصاً منطقه پیشوا و روستاهای اطراف به محض اطلاع از دستگیری امام خمینی در جریان تظاهراتی بزرگ به سوی تهران حرکت کردند. صدها نفر از آنان کفن پوشیده بودند که در فرهنگ انقلابی ایران به معنای ایستادگی تا پای جان است. ولی نیروهای نظامی در میان راه- در سر پل باقر آباد- به روی جمعیت آتش گشودند و با سلاحهای سبک و سنگین، مردم را درو کردند. نظامیان حتی لباسها و محتوای جیب مجروحان و شهدا را به غارت بردند. این صحنه ننگین تاریخ بشری که بر دامن آلوده پهلوی نشست در تهران و قم و شیراز و بعضی نقاط دیگر نیز تکرار شد. ولی شدیدترین و خشن ترین و بیشترین آنها در تهران اتفاق افتاد. صدها هزار نفر از مردم تهران از نقاط مختلف جنوب شهر به سمت بازار و مرکز شهر که نقطه مرکزی تظاهرات مردمی بود حرکت کردند. آنها بعضاً با مأموران انتظامی درگیر شدند و حتی یک کلانتری را به تصرف در آوردند. آنها به سازمان رادیو، کاخ مرمر، اداره تسلیحات ارتش، سفارت آمریکا و بعضی نقاط مهم دولتی نیز نزدیک شدند که با آتشبار مسلهای سنگین و سبک و دادن شهدا و مجروحان بسیار عقب نشستند. مأموران نظامی هر جنبه ای را هدف قرار می دادند. تعداد زیادی از مجروحان و شهدا در تظاهرات شرکت نداشتند و فقط از پنجره و بام منازل یا به صورت عبوری، شاهد حادثه بودند. بعضی از نظامیان بعد از اتمام تظاهرات و در نقاط دور از صحنه درگیری و در خیابانهای خلوت نیز به مردم حمله می کردند. قساوت و خونریزی چنان خشن و وحشیانه بود که بسیاری از سربازان و درجه داران حاضر در کشتار مردم هنگام بازگشت به پادگانهای خود اشک می ریختند. (روحانی، ج ۱، ص ۵۲۸)

تظاهرات و اعتصابات و اعتراضات نسبت به دستگیری امام خمینی در روزهای دیگر و در نقاط مختلف کشور نیز به صورت پراکنده ادامه یافت و حتی تا چهلیم شهدا طول کشید ولی درگیری عمدتاً در تهران و بخصوص در روزهای پانزدهم و شانزدهم خرداد بود. از صبح روز شانزدهم خرداد و احتمالاً از ظهر روز پانزدهم خرداد طبق دستور شاه، مردم را از کمر به بالا یعنی به قصد کشت هدف قرار دادند تا تعداد مجروحان که می توانست سندی زنده علیه پهلوی باشد تقلیل یابد. مجروحان حادثه خیلی کمتر از شهدا بود بویژه که شاه این ننگ و نفرت ابدی را به خود و خاندان پهلوی خرید که همراه با جمع آوری سراسیمه و فوری جنازه شهدا، مجروحان را نیز در کامیونهای ارتشی ریختند و زنده و مرده را در گورهای جمعی باهم زیر خاک کردند. بعضی از مجروحان که از حادثه جان سالم بدربردند هرگز جرئت نکردند به مراکز درمانی مراجعه کنند و با پانسمان زخمهای خود در منازل تا سالهای بعد و سقوط شاه، جراحت خود را بروز نمی دادند.

مهمترین ویژگی حادثه پانزدهم خرداد، حضور اقشار گوناگون مردم در صحنه مبارزه با نظام پهلوی بود. همه اقشار محروم مردم در این واقعه، جانفشانی کردند، مجروح شدند و شهید دادند. در میان شهدا افرادی از کارگران، کشاورزان، کسبه جزء، دانشجویان، دانش آموزان، روحانیون، کارمندان جزء و تعدادی زیادی از بانوان محجبه و حتی کودکان خردسال، ملاحظه می شود.

نتایج، آثار و پیامدهای قیام ۱۵ خرداد ۴۲

راز ماندگاری پانزده خرداد در این است که به عنوان نقطه عزیمت و سرمنشاء بسیاری از تحولات ایران به شمار می آید. گرچه خود نیز با توجه به کارکردهای علما و گروه های دینی در دهه های گذشته می باشد. به عبارت دیگر پانزده خرداد ثمره تلاش های گذشتگان بود و خود نیز نقطه عطفی در مبارزات سیاسی و دینی انقلاب اسلامی می باشد. بنابراین، عمده ترین نتایج، آثار و پیامد قیام ۱۵ خرداد ۴۲ را می توان به شرح ذیل برشمرد:

۱- مردمی و خودجوش بودن قیام؛ در شرایطی که بنا به شواهد و قرائن، در آستانه قیام ۱۵ خرداد گروه ها و احزاب فعال سیاسی در انفعال و بلا تکلیفی به سر می بردند، مردم از اقشار گوناگون به طور خودجوش به صحنه آمدند و با فداکاری و ایثارگری بی نظیر نظام شاهنشاهی را به مبارزه طلبیدند.

۲- رهبری منحصر به فرد و بی نظیر امام خمینی؛ امام خمینی از جمله رهبرانی است که دارای شخصیتی ممتاز و دارای ابعاد مختلف فکری می باشد. تسلط کم نظیر در شناخت مکتب های فلسفی شرق و غرب به ویژه عرفان، مرجعیت او، صراحت بی باکانه، قدرت کم نظیر در جذب مخاطب، چهره ناآرام، مبارز و قاطع، داشتن بیان و لهجه عادی و مردمی از جمله ویژگی های این بزرگ مرد مبارزه بوده است. با چنین خلق و خوی و توانائی های بود که امام خمینی (ره) در صحنه سیاست ایران ظهور کرد و مرشد و مراد مردم خود شد. تهور تردید ناپذیر امام خمینی در ابراز سخنان هیجان زا و به میدان مبارزه طلبیدن مقام «قدر قدرت شاهی» سبب شد که مهر تأیید «رهبریت» ایشان توسط گروه های مخالف شاه در کارنامه زندگی شان نقش بندد.

۳- مطرح شدن اسلام به عنوان یک مکتب مبارزه در این قیام؛ مردم با الهام گرفتن از الگوهای اسلامی دست به مبارزه با نظام مستبد و طاغوت زدند. وقوع قیام در ماه محرم و به ویژه روز عاشورا، تشبیه شاه به یزید، رهبری روحانیت و مشارکت گسترده گروه های مذهبی در این قیام همگی نشان از اسلامی بودن مبارزه دارند.

۴- مبارزه همزمان علیه استبداد داخلی و استکبار خارجی؛ در نهضت های قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ همواره یک جنبه مبارزات نادیده گرفته می شد. به علت نادیده گرفتن یک بعد مبارزه نهضت های مشروطه و ملی شدن صنعت نفت شکست خوردند. نهضت مشروطه استبداد داخلی را از بین برد ولی از آنجائی که مبارزه با استکبار نادیده گرفته شد، استبداد دوباره بازگردانده شد. در نهضت ملی شدن صنعت نفت استکبار انگلیس شکست داده شد، ولی در

نهایت پایگاه استبداد به محلی برای سرنگونی دولت ملی تبدیل شد. امام خمینی به درستی واقف بود نهضت زمانی موفق خواهد بود که همزمان علیه استکبار و استبداد مبارزه کند. به همین دلیل است که امام هم به شاه حمله می‌کند و هم به رژیم صهیونیستی. ایشان با این استراتژی نشان می‌دهد که استبداد و استکبار دو روی یک سکه هستند که این وضعیت ناگوار را برای مردم ایران به وجود آورده‌اند. لذا اگر از یکی از طرفین غافل باشیم موفق نخواهیم شد. فرایند مبارزه همزمان در دو جبهه در پیروزی انقلاب اسلامی به سرنگونی نظام شاهنشاهی منجر شد و در تصرف سفارت آمریکا (لانه جاسوسی) به خشکانیدن ریشه استکبار انجامید.



۵- رویارویی با اصل نظام شاهنشاهی و مبارزه با شخص اول مملکت؛ امام خمینی به‌درستی ریشه مشکلات را وجود شاه در رأس حکومت می‌دانست. بنابراین برخلاف دیگران که فقط به نهادهای فرودست و از جمله دولت انتقاد می‌کردند، ایشان نوک حملات را متوجه شاه کرد و بدین ترتیب راه را برای سرنگونی نظام شاهنشاهی باز کرد. از این رو، قیام ۱۵ خرداد چهره مزورانه و منافقانه شاه را افشا و ماهیت رژیم وی را برای مردم روشن ساخت.

در نهایت اینکه، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ هر چند به ظاهر یک یا چند روز طول کشید، ولی به دلیل انگیزه‌های الهی که داشت، به عنوان مبداء انقلاب اسلامی و منشاء تحولات وسیع داخلی و بین‌المللی شد به گونه‌ای که امام خمینی(ره) در تاریخ ۱/۶/۱۳۴۹ فرمودند: "۱۵ خرداد از خاطره‌ها محو نخواهد شد و باید در سالروز آن، هر چه بیشتر آن را زنده نگه داشت، پانزده خرداد که مصادف با دوازدهم محرم بود؛ سند زنده مخالفت شجاعانه ملت ایران در مقابل استبداد عمال اجانب و استعمار چپ و راست بود"

<https://www.iribnews.ir/fa/news/>

اعلامیه مشترک حضرات عظام ، امام خمینی ، میلانی ، نجفی مرعشی و طباطبائی قمی به مناسبت

سالگرد ۱۵ خرداد



بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

وسيعلم الذين ظلموا اني منقلب ينقلبون

یک سال از فاجعه خونین ۱۲ محرم ۸۳ (۱۵ خرداد ۱۳۴۲) گذشت ، یک سال از مرگ فجیع عزیزان ملت سپری شد، یک سال از بی خانمان شدن و بی سرپرست شدن یتیمان بی پدر و زن های بی شوهر و مادران داغدیده گذشت .

۱۵ خرداد ننگی بر چهره هیئت حاکمه

واقعه ۱۵ خرداد ننگ بزرگی برای هیئت حاکمه به بار آورد، این واقعه فراموش شدنی نیست تاریخ آن را ضبط کرد، آیا ملت مسلمان چه جرمی مرتکب شده بود؟ زن ها و اطفال صغیر چه گناهی کرده بودند؟ چرا آنها را به مسلسل بستند؟ علمای اسلام و خطباء مذهبی چه جرمی داشتند؟ گناه آنها دفاع از حق بود، دفاع از قرآن کریم بود، به جرم نصایح مشفقانه و صلاح اندیشی اهانت شدند، به حبس کشیده شدند، محصور گردیدند، مبتلا به مصائب شدند.

دفاع از اسلام و استقلال و برائت از عمال اسرائیل جرم است ؟

علماء اسلام وظیفه دارند از احکام مسلمة اسلام دفاع کنند، از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند، از ستمکاری ها و ظلم ها اظهار تنفر کنند، از پیمان با دشمنان اسلام و استقلال و ممالک اسلام اظهار انزجار کنند، از اسرائیل و عمال اسرائیل ، دشمنان قرآن مجید و اسلام و کشور برائت جویند، از اعدام های بی جهت و تبعیدهای دستجمعی و محاکمات غیر قانونی و محکومیت های بدون مجوز بیزاری جویند و صلاح حال ملت و مملکت را در هر حال بیان کنند، اینها جرم است ؟ اینها ارتجاع سیاه است ؟ (صحیفه نور ، ج ۱، ص ۱۱۸)

در ایران تمام فرق ضاله آزادند به غیر از مسلمین

در این مملکت تمام فرق ضاله آشکارا تبلیغ ضد اسلامی می کنند، محافل آزاد دارند، مجالس علنی دارند، مسیحیین فرستنده در کلیسای انجیلی در تهران دارند، موسسه در کرمانشاه دارند، مدارس رسمی دارند، برخوردار از پشتیبانی دولت ها هستند، نشر کتب ضد دینی آزاد است . فقط مسلمان ها و مبلغین مذهبی و علمای اسلام آزاد نیستند، تبلیغات دینی و بیان قانون شکنی ها ارتجاع سیاه شناخته شده و ممنوع گردیده ، محافل دینی و مجامع مذهبی محتاج به اجازه شهربانی ها و سازمان هاست دستجات عزاداری بر حضرت سیدالشهدا علیه الصلوٰه والسلام باید محدود و ممنوع باشد.(صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۹)

حمایت اسرائیل از ایران

ما نمی دانیم اینها چه بستگی با اسرائیل و عمال اسرائیل دارند، آیا برای مملکت کهنسالی مثل ایران ننگ نیست که دولت اسرائیل بگوید ما حمایت از ایران می کنیم ؟ ایران بزرگ تحت الحمایه اسرائیل است ؟ آیا خلاف مصالح کشور نیست که مطالب خود ساخته بی سروپائی را در افواه ملت بیندازند و روزنامه ها در اطرافش بحث کنند و ضعف دولت را بر ملا نمایند؟ این سیاست غلط نیست ؟ این فضااحت نیست ؟ اینها ملت را خواب فرض کردند.

برنامه ما وحدت کلمه مسلمین و اتحاد ممالک اسلامی است در مقابل دول استعمار طلب.

ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم . برنامه ما که برنامه اسلام است . وحدت کلمه مسلمین است ، اتحاد ممالک اسلامی است . برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم ، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان مقابل صهیونیست ، مقابل اسرائیل ، مقابل دول استعمار طلب ، مقابل کسانی که ذخائر این ملت فقیر را به رایگان می برند و ملت بدبخت در آتش فقر و بیکاری و بینوائی می سوزد. در حضور چهره های رنگ پریده از گرسنگی و بینوائی ، دائما دولت ها دم از ترقی و پیشرفت های اقتصادی می زنند، این حقایق تلخ ما را به تنگ آورده ، علماء اسلام را رنج دهد، اگر اینها ارتجاع سیاه است ، بگذار ما مرتجع باشیم .

واقعه ۱۵ خرداد پشت ما و هر مسلم غیرتمند را می شکند

ما از واقعه دوازدهم محرم ، ۱۵ خرداد خجالت می کشیم . واقعه شوم ۱۵ خرداد و مدارس علمیه فیضیه و غیر آن پشت ما و هر مسلم غیرتمند را می شکند، تا هیئت حاکمه چه عقیده داشته باشد، ملت اسلام این مصیبت را فراموش نمی کند. ما روز دوازدهم محرم را عزای ملی اعلام می کنیم ، بگذار ما را مرتجع بخوانند، کهنه پرست

بدانند.

دولت شاه باید رویه اش را تغییر دهد.

ما از عواقب این اعمال جائزانه خائف هستیم و نصیحت هیئت حاکمه را لازم می دانیم و کرارا نصیحت کردیم و خیر و صلاح را گوشزد کردیم و رعایت نشده است. ما مصلحت می دانیم که دولت رویه را تغییر دهد، سازمان ها و شهربانی ها را اینقدر بر ملت ستمدیده و بر علماء اسلام و خطباء محترم چیره نکند، از این اعمال خلاف قوانین اگر می توانند جلوگیری کنند. (صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۲۰)

سکوت در مقابل ستمکاری، اعانت به ستمکاران است.

علاقه علماء اسلام به ممالک و قوانین اسلامی، علاقه الهی ناگسستنی است. ما از جانب خدای تعالی مأمور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت را در مقابل خطرهایی که پیش بینی می شود، برای اسلام و استقلال مملکت جرم می دانیم، گناه بزرگ می دانیم، استقبال از مرگ سیاه می دانیم. پیشوای بزرگ ما حضرت امیرالمومنین علیه السلام سکوت را در مقابل ستمکاری جایز نمی دانست و ما نیز جایز نمی دانیم. وظیفه ما ارشاد ملت است، ارشاد دولت هاست، ارشاد جمیع دستگاه هاست، ما از این وظیفه به خواست خدای تعالی خودداری نمی کنیم. در این زمان، سکوت در مقابل ستمکاری، اعانت به ستمکاران است.

تمام مسلمین موظف به انجام وظایف اسلامی هستند.

وظایف اسلامی وظیفه ما تنها نیست، وظیفه تمام طبقات است، وظیفه مراجع اسلام است، وظیفه علماء اسلام است. وظیفه خطبای اسلام است، وظیفه تمام ملت است، وظیفه تمام ممالک اسلامی و ملل اسلامی و ملل اسلام است. ما امید واثق داریم که ملل اسلامی در آتیه نزدیکی بر استعمار چیره شوند و ما در موقع خود به خواست خدای تعالی از هیچ گونه فداکاری دریغ نمی کنیم. از خداوند تعالی صلاح حال ممالک اسلامی و ملل اسلام و دولت اسلامی را خواستاریم.

اللهم اجعل افئدة من الناس تهوى إلينا و السلام علی من اتبع الهدی روح الله الموسوی الخمينی - محمد هادی الحسینی الميلانی - شهاب الدین نجفی المرعشی - حسن الطباطبائی قمی ۱۳۴۳/۳/۱۵ تاریخ (صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۲۰)

قیام ۱۵ خرداد اسطوره ی قدرت ستمشاهی رادرم شکست و افسانه ها و افسونهارا باطل کرد. شهادت جوانان رشید و زنان و مردان در آن روز سد عظیم قدرت شیطانی را از بنیان سست نمود. خون سلحشوران کوخ نشین، کاخ

های ستم را در رهم کوبید. ملت عظیم الشان ایران با قیام و نثار خون فرزندان عزیز خویش، راه قیام را برای نسلهای آینده گشود و ناسدنی هارا شدنی کرد. خداوند تعالی این ملت را پایدار، و شهیدانشان را، خصوصاً شهیدان ۱۵ خرداد، این بنیانگذاران انقلاب اسلامی ایران را، در جوار رحمت خود قرار دهد؛ و به معلولان عزیز قدرت مقاومت بیشتر عطا فرماید.

۶۴/۳/۱ روح لله الموسوی الخمینی (نامه ها و پیام های امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۱۴۳) (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۶۷)



منابع:

خمینی، روح الله، سعادت‌مند، رسول، نامه ها و پیام های امام خمینی (ره)، ج ۲، قم، ۱۳۸۶

روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، عروج، ۱۳۸۹.

صحیفه نور، ج ۱، مجموعه رهنمود های حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸

صحیفه نور، ج ۴، مجموعه رهنمود های حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸

صحیفه نور، ج ۱۹، مجموعه رهنمود های حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸

قیام ۱۵ خرداد به روایت ساواک، ج ۲، وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۷۸.

<https://www.iribnews.ir/fa/news/>

فرا رسیدن یوم الله ۱۵ خرداد و سالروز رحلت جانگداز حضرت امام خمینی (ره) تسلیت باد

